

آیا سال ۲۰۱۶ خونین خواهد بود؟

رحیم حمیدی



افغانستان ندارند. آنها آمده‌اند که شما را بکشند. آنها ضد زن هستند. آنها با آموزش مخالفند. بسا آزادی مطبوعات مخالفند. آنها با پیشرفت ملت افغانستان مخالفند. این سخنان را یک نهاد رسمی ایالات متحده آمریکا ابراز داشته است. توان آن را دیدگاه اصلی ایالات متحده آمریکا نسبت به گروه طالبان دانست. از این سخنان چنین به نظر می رسد که ایالات متحده آمریکا نسبت به روند صلح چندان امیدوار نیست.

با وجود اظهارات بالا در قبال گروه طالبان از سوی وزارت دفاع آمریکا اما، آن ها به نقش پاکستان چشم امید بسته است. ژنرال جان کمبل گفته است که رهبران پاکستان و افغانستان عجله و تلاش دارد که گفتگوی صلح تا دو ماه آینده به نتیجه برسد. بنابراین، ایالات متحده آمریکا هیچ نفوذی بر گروه طالبان به منظور کشتادن آن ها بر میز مذاکره ندارد. آن ها تنها به نفوذ پاکستان بر گروه طالبان چشم دوخته است. اگر پاکستان از نفوذ خود بر گروه طالبان برای کشتادن آن ها به روند صلح استفاده نکند، ایالات متحده آمریکا هیچ

برای گفتگوی صلح تلاش می کند اما، اکثریت آن ها حاضر به گفتگو و مصالحه نیست. شاخه دیگر گروه طالبان به رهبری ملا رسول اما، شاخه تندرو آن است که اکنون آن به رهبری ملا محمد اختر منصور تا هنوز واکنش نسبت به گفتگوی صلح نشان نداده است. با این حال، جریان تحت رهبری او پیش شرط های برای گفتگوی صلح به میان آورده است. خروج نیروهای بین المللی از افغانستان، اسلامی شدن قانون اساسی و نظام سیاسی از مهمترین پیش شرط های این جریان است. اگر پیش شرط های مذکور را معیار قرار دهیم به نظر می رسد که این جریان نیز علاقمند به گفتگوی صلح با حکومت افغانستان نیست. اگر چه جریان اصلی گروه طالبان پیش شرط های برای گفتگوی صلح ارائه نموده است اما در درون این جریان افراد میانه رو وجود دارد که شدیداً علاقمند به گفتگو و مذاکره و سبم گرفتن در حکومت کنونی است. با این حال، این جریان ضعیف است. در سال های گذشته، هر بار که افراد میانه رو از درون گروه طالبان صدای صلح و گفتگو را بلند نموده است یا به قتل رسیده است و یا اینکه سر به نیست شده است. این می رساند که یک جریان ضعیف در درون گروه طالبان

توسعه یافته است. جنگی که زمانی میان طالبان و دولت افغانستان بود، اکنون وسعت و گستردگی خاصی یافته است. جنگ میان طالبان و دولت، میان طالبان و طالبان، میان طالبان و داعش، شبکه حفانی و دولت، میان گروه های مسلح و متخاصم غیر مسئول، میان طالبان و داعش و ... با نیروها و کشورهای خارجی حامی دولت افغانستان به شدت ادامه دارد. همان گونه که جغرافیای جنگ وسعت پیدا کرده، بازیگران پشت پرده جنگ نیز گسترش پیدا کرده است. همسایگان شمالی افغانستان به خاطر نزدیک شدن دامنه جنگ به کشورهایشان سخت برآشفته و هراسان شده و تدابیر جدی ای را برای حفاظت از مرزهایشان روی دست گرفته اند، حتا خبرهایی از دیدارهای غیر رسمی سران طالبان با روسها نیز زمانی در خبرها به نشر رسید. همسایگان دیگر افغانستان نیز تلاش دارند تا منافع و جایگاه خود را در جنگ افغانستان، تعریف و حفظ کنند. اختلافات دیرینه ای که میان کشورهای هند و پاکستان وجود دارد، در موضع گیریهای حکومت های این دو کشور در قبال افغانستان به خوبی نمایان است. هر دو کشور تلاش دارند تا از منافع خود در افغانستان دفاع کنند و دیگری را زمین گیر. ایران و عربستان نیز اختلافات جدی و رو به افزایش خود را در سرزمین های دیگر اسلامی فراموش نکرده اند و ردهایی از اختلافات این دو کشور در مسایل افغانستان قابل مشاهده است.

ماهیت دولت وحدت ملی نیز ضعیف است. دولت وحدت ملی به اساس توافق میان دو تیم پیشکش در انتخابات و با میانجیگری دولت های دیگر به خصوص ایالات متحده آمریکا به وجود آمده است. این دو تیم در بسیاری از مسایل مهم، از جنگ گرفته تا صلح، از اقتصاد گرفته تا سیاست بسا یکدیگر اختلافات جدی دارند. چنین وضعی دولت را در چه بیشتر ضعیف ساخته است. دولت وحدت ملی از بسیاری جهات یکی از دولت های ضعیف در سالهای پسین در افغانستان است. نمودهای این ضعف را در مسایل مختلف می توان دید. هنوز وزارت دفاع ملی که مسئولیت جنگ با تروریست را به عهده دارد، با سرپرست اداره می شود، ریاست امنیت ملی با سرپرست اداره می شود، لوی سارنوالی با سرپرست اداره می شود، انتخابات پارلمانی با گذشت ماه ها از تاریخ قانونی برگزاری آن هنوز اولین گامها را برداشته نتوانسته است، سیاست های دولت در قبال مسایل کلان داخلی و خارجی مشخص نیست و ...

تحول بسیار بزرگی که در سیاست افغانستان به وجود آمده این است که اکثر دولتمردان سه ماه زمستان را برای افغانستان مهم می دانند. اما اهمیت این مدت را به خاطر فرصتی که برای رسیدن به صلح وجود دارد، عنوان می کنند. این مسئله می تواند بدین معنا باشد که ما برای برنده شدن در جنگ امید نداریم و می توان بدین معنا باشد که پروسه صلح به خوبی به پیش می رود و طالبان و دولت به صلح بسیمار امید بسته اند. شواهد نشان می دهد که پروسه صلح در وضعیت مناسب و مطلوبی برای دولت قرار ندارد. طالبان حد اقل به دو گروه تقسیم شده اند و بازیگران منطقه ای و بین المللی پشت پرده جنگ در افغانستان نیز نهایت تلاششان را برای بدست آوردن منافع بیشتر متمرکز کرده اند. فرصت کمی تا شروع دوباره کار پارلمان باقی مانده است که دولت افغانستان بحران انتخابات و صلح و جنگ را مهار کند و بتواند با معرفی افراد شایسته به وزارت ها و ریاست هایی که با سرپرست اداره می شوند، کابینه را تکمیل کند. موضوع انتخابات را یکسره کند، تکلیف خود را با جنگ و صلح با طالبان نیز مشخص کند. دولت باید سیاست خود را در قبال کشورهای بزرگ و مسایل بزرگ نیز واضح سازد. در غیر این صورت، انتظار بهاری خونین برای مردم افغانستان، سخت دشوار است.

آیا بحران جاری نقطه پایانی خواهد داشت؟

شکور



امینتی و سیاسی کشور تاثیر مثبتی را برآی خواهد گذاشت. این اعلام حمایت و رواج یک فرصت دیگر به ما می دهد. برای کشور در امر مبارزه با تروریسم و تامین امنیت و ثبات فراهم ساخت. اما پرسش اساسی اینست که آیا این اعلام موضع واقعا تاجه اندازه جدی و عملی خواهد بود؟ مگر در طی سالهای چنین تفرقه، عقب ماندگی، ستم و ... واژه های آشنایمان که در ادبیات سیاسی و اجتماعی کشور کاملا مانوس بوده و در فرهنگ و سرنوشت شان نهادینه گردیده و ریشه دوانده است. این همه درد و رنج، سردرگمی و بی سرنوشتی را که آمیخته ای از برین دست اندازی های بیرونی و داخلی می باشند، شاید بتوان در یک عنوان کلی «بازی بزرگ و بی پایان» بازگو نمود. این همان تقدیر شومی است که قدرت های بزرگ استعماری به همدستی استبداد داخلی بر سرنوشت مردم ما تحمیل ساخته اند.

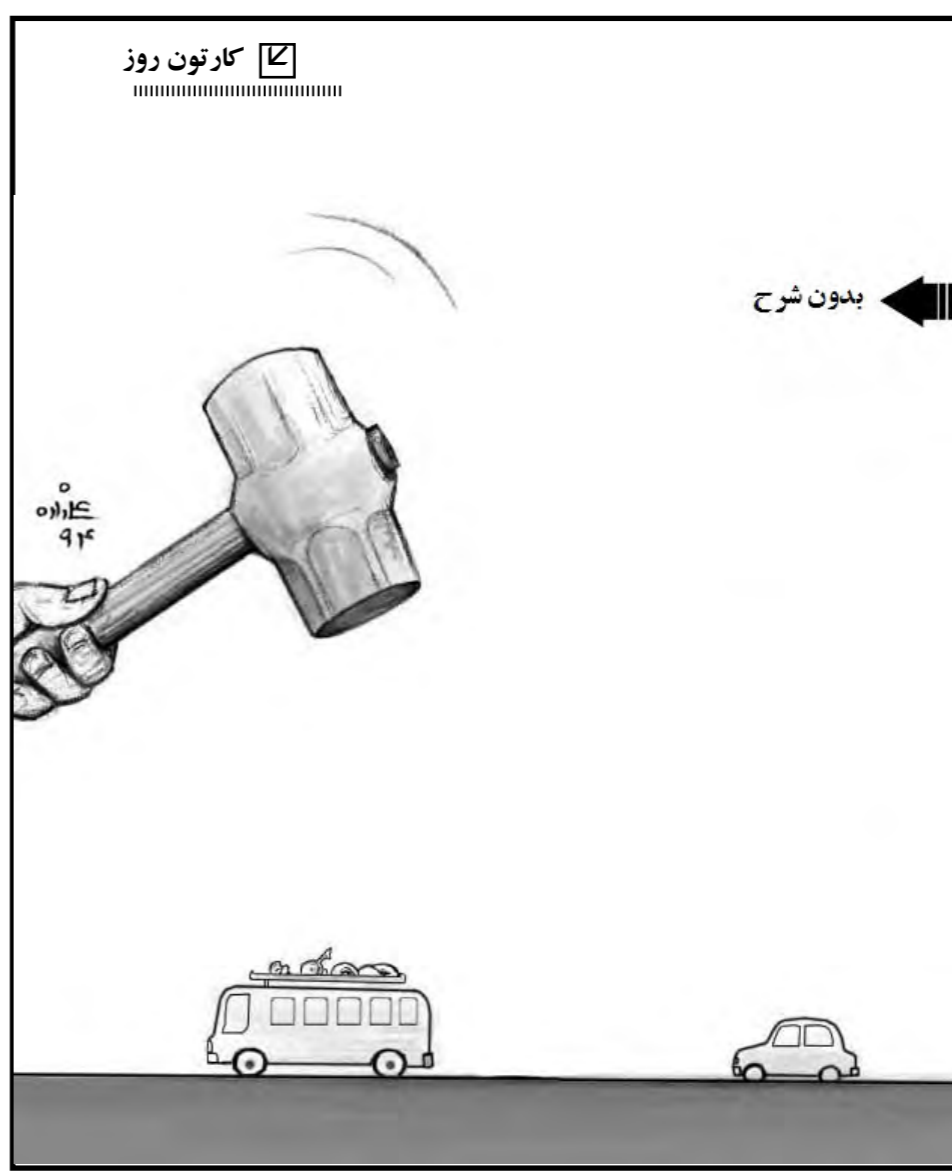
به هر صورت واقعیت تلخ نهفته در پشت همه این ماجرا ها اینست که سرنوشت مردم و کشور هم چنان در چرخش این بازی ها قربانی می گردد. بازی شومی که دست های پنهان قدرت های بزرگ اقتصادی و سیاسی هرازگاهی در مناطق مختلف جهان به اجرامی گذارند و اینک قرعه فال بنام افغانستان برآمده است.

حال اعلام موضع مقام های آمریکایی مبنی بر ادامه حضور در کشور از یک سوی مسئله تاووم نامنی خشونت بار در صورت عدم موفقیت روند صلح از جانب دیگر، سرنوشت کشور و مردم ما را در دو راهی سختی قرار داده است. در ارزیابی چنین مسائلی باید گفت بدون شک این موفقیت و دست آورد دوام داری را به همراه نداشتن است. هر آنچه که بنام موفقیت و دست آورد یاد می شود ممکن

منطقه احساس شود. در همین ارتباط یک مقام ارشد پناگون که تجربه زیادی از افغانستان و عراق دارد و نخواست به خاطر ملحوظات داخلی ناماش گرفته شود، اظهار داشته است که در واقع چیزی را که ما در یافته ایم این است که نمی توان ترک کرد. نیروهای محلی به حمایت های هوایی، استخباراتی و لجستیکی نیاز دارند. آن ها در طرف س یا پنج سال آماده خواهند شد. باید در آن جا حضور دراز مدت روی داشت. در همین حال جنرال کمپل اظهار داشته است که اگر موقعیتی در روند صلح به زودی ظاهر نشود و نتیجه مشخصی را در بر نداشته باشد، سال ۲۰۱۶ بیش از گذشته برای افغانستان خونین و سخت خواهد بود. با در نظر داشت واقعیت های موجود باید گفت آنچه در افغانستان میگذرد، حوادث و رویدادهای شگفتی است که فراتر از هر گونه تحلیل و ارزیابی قرار میگیرد. زیرا هیچ معیار و قاعده ای را در این مسایل نمی توان مشاهده کرد. هر اندیشه و تفکری در این سرزمین دگرگون گشته است؛ هر طرحی برای رفع بحران در نهایت با «بین بسست» مواجه گردیده است؛ هر تلاش و کوششی که بخرج داده شده است، در فرجام جز نداشته است؛ قدرت های بزرگ، همه ی سلطوت و هیبت شان در پیچ و خم های این سرزمین فرو پاشیده است. امپراتوری انگلیس که آفتاب در مستعمراتش غروب نمی نمود، در گذرگاههای همآوردی این دیار شکست باور نکرده ای را تجربه کرد؛ ارتش مجهز و همیشه فاتح اتحاد جماهیر شوروی، که به زعم سران کرملین چرخ تاریخ را می چرخاندند، بگونه ای باور نکرده ای در این سرزمین زمین گیر گردید؛ اردوی نظامی غرب، بویژه نظامیان پیمان ناتو، که سازمان و نیروی تعیین کننده در جهان پنداشته می شد، در برابر جنگجویان

مناطق افغانستان به وجود آمده این است که اکثر دولتمردان سه ماه زمستان را برای افغانستان مهم می دانند. اما اهمیت این مدت را به خاطر فرصتی که برای رسیدن به صلح وجود دارد، عنوان می کنند. این مسئله می تواند بدین معنا باشد که ما برای برنده شدن در جنگ امید نداریم و می توان بدین معنا باشد که پروسه صلح به خوبی به پیش می رود و طالبان و دولت به صلح بسیمار امید بسته اند. شواهد نشان می دهد که پروسه صلح در وضعیت مناسب و مطلوبی برای دولت قرار ندارد. طالبان حد اقل به دو گروه تقسیم شده اند و بازیگران منطقه ای و بین المللی پشت پرده جنگ در افغانستان نیز نهایت تلاششان را برای بدست آوردن منافع بیشتر متمرکز کرده اند. فرصت کمی تا شروع دوباره کار پارلمان باقی مانده است که دولت افغانستان بحران انتخابات و صلح و جنگ را مهار کند و بتواند با معرفی افراد شایسته به وزارت ها و ریاست هایی که با سرپرست اداره می شوند، کابینه را تکمیل کند. موضوع انتخابات را یکسره کند، تکلیف خود را با جنگ و صلح با طالبان نیز مشخص کند. دولت باید سیاست خود را در قبال کشورهای بزرگ و مسایل بزرگ نیز واضح سازد. در غیر این صورت، انتظار بهاری خونین برای مردم افغانستان، سخت دشوار است.

روزهای اخیر شایعاتی وجود دارد مبنی بر این که مقام های آمریکایی گفته اند که نیروهای آمریکایی تا سال ۲۰۱۵ افغانستان باقی خواهند ماند و حکومت افغانستان را از لحاظ مالی و نظامی حمایت خواهند نمود. هم چنین در گزارش دیگر آمده است که فرماندهان ارشد نظامی آمریکا که فقط چند ماه پیش روی خروج آخرین سربازان آمریکایی از افغانستان در آخر سال، برنامه ریزی می کردند، حالا در مورد تعهدی سخنی می گویند که بتوانند براساس آن هزاران سرباز را تا ده ها سال دیگر در این کشور حفظ کنند. این مقامات ارشد نظامی اظهار داشتند که تصمیم رییس جمهور اوباما که در خزان گذشته برنامه خروج را لغو کرد، و فکر تغییر تصمیم برای خروج را ممکن ساخت. این تصمیم اخیر اوباما نشان دهنده آسیب پذیری حکومت افغانستان در برابر حملات مداوم شورشیان و نگرانی ناشی از گروه های تروریستی مثل القاعده هستند که با تداوم ایجاد کمپ های آموزشی، تأثیرات آن می تواند فراتر از



بدون شرح

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرفه مقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷-۱۲۸

